

به مناسبت برپایی لوح یاد بود قربانیان ترور میکونوس در برلن

پس از ماه‌ها کشمکش سرانجام در روز سه شنبه ۲۰ آوریل ۲۰۰۴ از لوح یادبود قربانیان ترور میکونوس پرده برداری شد. در میان بیش از ۸۰۰ نفر از شرکت کنندگان در مراسم کرایش‌های سیاسی اپوزیسیون بویژه نیروهای کرد و وابستگان حزب دمکرات کردستان ایران و بازماندگان قربانیان حضور داشتند. شلوغی در پیرامون لوح بقدری بود که سخنرانان به زحمت می‌توانستند صحبت خود را شروع و یا به گوش همه برسانند. در این ازدحام و "بی‌نظمی" خانم مونیکا تی‌من شهردار منطقه ویلمرزدرف-شارلوتن بورک در برلن در گزارش و خیر مقدم خود نتوانست از همه سیاستمداران حاضر در مراسم از جمله وزیر داخله برلن و برخی نمایندگان مجلس فدرال و ایالتی آلمان تشکر کند.

خانم تی‌من در ابتدای سخنرانی افتتاحی خود به جنجالی بودن این لوح با اشاره به فشارهای متعدد نمایندگان رژیم ایران و همچنین ملاقاتش با نماینده سفارت ایران در برلن سخن گفت برپایی این لوح تصمیم درستی بود تا نام مهمانان این شهر که قربانی یک ترور دولتی شده‌اند برای همیشه در تاریخ این شهر حفظ شود. وی ضمن تشکر از بانیان و مبتکران برپایی این لوح و کسانی که توانستند با همت خود هزینه آن را فراهم کنند، محتوای لوح و تغییری که با تقاضای دولت فدرال و توسط دولت ایالت برلن شده بود را ذکر کرد و اظهار داشت نوشته لوح حاضر به متن حکم بسیار نزدیک‌تر است زیرا با توجه به متن حکم دادگاه زمامداران وقت ایران مسئول این ترور دولتی بودند. پس از وی هانس یواخیم اریک وکیل یکی از شاکیان خصوصی در دادگاه میکونوس از برپایی دیر ولی نه خیلی دیر هنگام لوح یاد کرد و گفت ذکر زمامداران

وقت بر لوح به این معنی نیست که آن‌ها به گذشته تعلق دارند، حاکمان آن زمان ایران زمامداران فعلی نیز هستند و این باید هشدار باشد به دولت‌مداران آلمان باشد تا زبانی گویا در مقابل تروریست‌های دولتی داشته باشند به ویژه هنگامی که صحبت از استرداد عامل این ترور یعنی کاظم دارابی در میان است. وی همچنین اظهار داشت با این لوح نام قربانیان و مسئولین ترور برای همیشه ثبت خواهد شد اما تکلیف رژیم حاکم بر ایران را خود مردم ایران روشن خواهند کرد.

پس از وی میرو علیار از دفتر اروپایی حزب دمکرات کردستان ایران پیام دبیر اول این حزب را قرائت کرد. در این پیام آمده بود که این لوح تنها به یاد قربانیان میکونوس نیست بلکه به یاد همه قربانیان این رژیم بخصوص قربانیان ترور دولتی این رژیم در خارج از کشور می‌باشد. سپس کژال عبدلی همسر سابق عبدلی پیامی به زبان کردی قرائت کرد و سرانجام سارا دختر نوری دهکردی پیام پر احساس خود را با ذکر آخرین روز ملاقات با پدرش، چگونگی شنیدن ترور، تاثیر این ترور و دادگاه بر او و خانواده‌اش سخن گفت وی اظهار داشت رژیم حاکم بر ایران باید بداند که با ترور فعالان سیاسی نمی‌تواند جلوی مقاومت و مبارزه مردم و بخصوص جوانان را بگیرد. آنگاه با خواهش خانم شهردار شهره بدیعی، کژال عبدلی، سارا دهکردی و رسول شرفکندی، بازماندگان قربانیان ترور میکونوس از لوح یادبود پرده برداری کردند:

"در این محل در رستوران سابق میکونوس در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ سه تن از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران

دکتر صادق شرفکندی

فتاح عبدلی

همایون اردلان

به همراه سیاست مدار ساکن برلن

نوری دهکردی

توسط زمامداران وقت ایران به قتل رسیدند. آنها در مبارزه برای دمکراسی و حقوق بشر جان باختند."

تلاش برای برپایی این لوح امکانی بود که در اختیار اپوزیسیون قرار داشت تا از آن برای مبارزه علیه رژیم استفاده کند.

در تابستان ۱۹۹۷ کمی پس از اعلام حکم (۱۰ آوریل ۱۹۹۷) نمایندگان احزاب سوسیال

دمکرات، سبزها و سوسیالیسم دمکراتیک در شورای شهر منطقه ویلمرزدرورف فکر برای برپایی لوح به یاد قربانیان ترور میکونوس را مطرح کردند. در آن زمان وزارت امور خارجه وقت آلمان در پاسخ نامه‌ی نمایندگان شورای شهر اظهار داشت: "از آن جایی که حکم دادگاه هنوز قطعی نشده است از تصمیم فعلی خود صرف نظر کنید."

در ۹ دسامبر ۱۹۹۸ حکم دادگاه میکونوس قطعی شد اما در این زمان خاتمی در ایران رییس جمهور بود و تب اصلاحات بخش‌هایی از "اپوزیسیون" را فرا گرفته بود، بسیاری از نیروهای آلمانی نیز در توهم پیشرفت اصلاحات در ایران بودند و رغبت چندانی به انجام چنین اقداماتی نداشتند. اما اریک وکیل یکی از شاکیان خصوصی و نماینده کانون پناهندگان سیاسی ایران در برلن در سپتامبر ۲۰۰۲ در مراسم دهمین سالگرد ترور میکونوس دوباره پیشنهاد برپایی لوح یادبود را مطرح کردند. نمایندگان احزاب حاضر در مراسم این بار از این پیشنهاد استقبال کردند ولی بار دیگر به نگرانی چند سال پیش وزارت امور خارجه اشاره نمودند. در نوامبر ۲۰۰۲ از طرف اریک و نماینده کانون پناهندگان با رییس کمیسیون امور فرهنگی در پارلمان برلن خانم آلیس اشتروور برای صحبت در مورد لوح یاد بود تماس گرفته شد. ایشان با پیشنهاد موافقت داشتند و طی دو نامه در آوریل و ژوئیه ۲۰۰۳ نظر وزارت امور خارجه آلمان را در مورد برپایی این لوح خواستار شد. چون پاسخ وزارت امور خارجه به درازا کشید نمایندگان حزب‌های سوسیال دمکرات و سبزها با پشتیبانی حزب سوسیالیسم دمکراتیک تقاضای برپایی لوح را به شورای شهر منطقه دادند. در اوت ۲۰۰۳ با این تقاضا موافقت شد و به وزارت امور خارجه نیز اطلاع داده شد. در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۳ سرانجام وزارت امور خارجه عدم مخالفت خود را طی نامه‌یی به خانم اشترووه اعلام کرد. سپس مراحل فنی و جمع آوری کمک مالی آغاز شد. با اعلام علنی بیانیه کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلن برای جمع اوری کمک‌های مالی تلاش نمایندگان جمهوری اسلامی در ایران و برلن برای جلوگیری از نصب لوح شروع شد در تهران سفیر آلمان به وزارت امور خارجه فراخوانده شد و در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ نماینده رسمی سفارت ایران در برلن به دیدار خانم

ایران به عنوان آمران و عاملان این جنایت صادر کرد .

حکم در دهم آوریل ۱۹۹۷ صادر شد و فردای آن روز روزنامه آلمانی زبان "زود دویچه سایتونگ" در ذکر اهمیت جهانی این حکم نوشت: "حکم میکنونوس فقط وارد تاریخ قضایی آلمان نخواهد شد. برای اولین بار یک دادگاه عالی در بررسی یک پرونده قتل، رهبران در قدرت یک دولت دیگر را روشن و صریح مسئول اصلی جنایت شناخت."

یواخیم اریگ، وکیل مدافع یکی از شاکیان خصوصی این پرونده، در ۱۹۹۸ نوشت: "میکنونوس، تا سپتامبر ۱۹۹۲ فقط نام یک جزیره تفریحی یونان بود، از این زمان مترادف با قتل وحشتناک به دستور است. اما از زمان صدور حکم، میکنونوس، همچون نشان جرأت بخش استقلال قوه قضائی، تمایل به روشنگری بدون مراعات مسایل سیاسی و اعلام حقیقت علیرغم فشار، و به طور خلاصه نشان امید است." (پیشگفتار کتاب)

چگونگی جنایت

در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، مزدوران ایرانی و لبنانی دولت اسلامی ایران، با شناسایی و اطلاعات کامل، به نشستی که رهبر حزب دموکرات کردستان ایران، دکتر صادق شرفکندی و سه تن از یارانش با تعدادی از اپوزیسیون ایران در رستوران میکنونوس داشتند حمله کردند و در یک یورش برق آسا، همه را زیر رگبار مسلسل گرفتند و برای اطمینان از نتیجه جنایت، با سلاح کمربند تیر خلاص را هم به دکتر شرفکندی شلیک کردند و گریختند .

خبر این ترور، در سراسر اروپا به نحو وسیعی منعکس شد. پلیس آلمان با همکاری سرویسهای امنیتی و پلیس دیگر کشورهای اروپایی، بلافاصله شروع به ردیابی و تحقیق در مورد متهمان کرد. در این تعقیب و مراقبتها، همه جا رد پای کاظم دارابی، ایرانی، به عنوان مسئول عملیات ترور پیدا می شد. و سرانجام، پلیس آلمان پنج ایرانی و لبنانی را دستگیر کرد: یوسف امین، محمد اتریس، عطاءالله عیاد، کاظم دارابی، و عباس رحیل .

در بازجوییها و بازپرسیهای متعدد و مفصل از این متهمان، به تدریج تمام جریان برنامه ریزی و نقشه ترور و چگونگی تدارکات و اجرای آن برای دستگاه قضایی برلین روشن و تاریخ تشکیل دادگاهی برای محاکمه

معرفی کتاب

سند رسمی و ثبت شده جنایتهای جمهوری اسلامی

حکم دادگاه میکنونوس.

برگردان: مظفر. ۵۴۱ صفحه.

شنیدای نبوی

اگر جنبه اغراق به خود نگیرد، می توان گفت همین یک کتاب، سندی است مکفی در اثبات جنایتهای دولت جمهوری اسلامی ایران. جنایتی که در آن، در سپتامبر ۱۹۹۲، چهار نفر: دکتر صادق شرفکندی دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، فتاح عبدلی نماینده حزب در اروپا؛ در دفتر پاریس، همایون اردلان نماینده این حزب در آلمان، و محمد نوری دهکردی از دوستان و نزدیکان حزب دموکرات، در رستورانی در برلین ترور شدند. و این، اولین و تنها ترور جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران نبود؛ گذشته از سرکوب، کشتارها، اعدامها و ترورهای داخل کشور.

اهمیت دادگاه میکنونوس در اینست که برای اولین بار، حکم محکومیت یک قدرت دولتی را صادر کرد و نمونه ای شد برای استقلال قوه قضائیه از تشبثات و اعمال نفوذ قدرتهای دولتی .

کتاب حکم دادگاه میکنونوس در محکومیت آمران و عاملان جنایات میکنونوس، متن کامل حکم دادگاهی است که سه سال و نیم، از اکتبر ۱۹۹۲ تا آوریل ۱۹۹۷، به طول انجامید و طی ۲۴۷ جلسه، به تمام جزئیات این جنایت رسیدگی کرد، حرفهای همه متهمان و همه شهود را شنید و علیرغم اقدامات برخی از مقامات دولتی آلمان، که تحت فشارهای دولت ایران، میخواستند بر رأی آن تأثیر بگذارند، حکم خود را در محکومیت قدرتمداران حکومت

تی من رفت. هیچ کدام از این دیدارها نتیجه مثبتی برای رژیم حاکم در ایران در برندااشت. سپس شهردار تهران به استاندار برلن نامه نوشت. این نامه دیگر همه را از برپایی این لوح باخبر کرد. دخالت دولت های ایران و آلمان در این جریان همچون دیگر دخالت های آنها در قبل و بعد از شروع دادگاه به ضرر عاملینش تمام شد. این دخالتها از طرفی برپایی لوح را به یک مساله عمومی بدل کرد و تغییر متن لوح باعث شد که این متن برخلاف تفسیر برخی گویاتر و از نظر سیاسی محکم تر شود. بسیاری از نیروهای اپوزیسیون که در این سالها آگاهانه یا ناآگاهانه این موقعیت را نادیده گرفته بودند به دفاع از آن پرداختند و با انتشار بیانیه های متعدد به پشتیبانی آن برآمدند و در روز پرده برداری به مانند روز حکم دادگاه با دسته گل در محل حاضر شدند. با پرده برداری از این لوح یادبود مرحله دیگری از پیامدهای ترور میکنونوس به پایان رسید. این ترور و مسایل دنباله آن اما هنوز تمام نشده است. هنوز رژیم ایران و حزب الله به طور جدی در تلاش استرداد کاظم دارابی و عباس هستند، هنوز وضعیت حقوقی زمامداران ایرانی که به طور مستقیم در این ترور دست داشته اند روشن نشده است، هنوز در هیچ کجا برای هیچ یک از های قربانیان قتل های زنجیره ای و اعدامی های سال ۱۳۶۷ و... لوحه ای یادبودی نصب نشده است. هنوز...

حمید نوذری

برلن ۲۹ آوریل ۲۰۰۴



بقیه از صفحه ۴

ترکیب و جایگاه مجلس هفتم

این کار مسلماً بر میزان اقتدار و تصمیم‌گیری این نهاد هم تأثیر خواهد نهاد. این امر بدان معناست که اولاً بخشی از قدرت و اختیار مجلس در دست افراد، نهادها و محافظی همچون «شورای هماهنگی» است که مستقیماً وارد مجلس نشده و از بیرون آن را هدایت و کنترل می‌کنند و، ثانیاً، عناصر ردهٔ دوم تازه‌وارد هم از تجربه و توان و اعتبار سیاسی کافی برای ایفای نقش نمایندگی، در حد اسلاف خویش، برخوردار نیستند، هرچند که در اثر این تغییر و تبدیل طبعاً بخشی از قدرت سیاسی هم نصیب آنان شده است. این همان چیزی است که، در سطحی متفاوت، در مورد شورای اسلامی تهران و بعضی شهرهای دیگر اتفاق افتاده است. راهبردها و تصمیم‌گیریهای اصلی مربوط به وظایف این شوراها (و از جمله انتخاب شهرداران) در خارج از آنها تعیین و اتخاذ می‌شود. اگرچه این نهادها به لحاظ قانونی و در سلسله مراتب قدرتهای محلی و منطقه‌ای، به واقع، اختیارات زیادی هم نداشته‌اند، اما به کارگیری شگرد مزبور برای تصاحب آنها، از قدرت و اعتبار آنها نیز کاسته است.

اقتدار و اختیاراتی که به تدریج از مجلس شورای اسلامی سلب و، به صورت قانونی و یا غیرقانونی، به رهبر، مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان و غیره واگذار گردیده است، در شرایط حاکم، به جایگاه اولیهٔ خود باز نخواهد گشت. نه ترکیب فعلی مجلس، اساساً، قادر به اعادهٔ چنین حقوق و اختیاراتی است و نه نهادهایی که آنها را تصاحب کرده‌اند به سادگی حاضر به بازگرداندن آنها خواهند بود. مجمع تشخیص مصلحت تحت هدایت خامنه‌ای و با همدستی رفسنجانی، عملاً، به نهاد قانونگذاری دیگری تبدیل شده که، رفته رفته، به اختیارات و دخالت‌های خود نیز می‌افزاید و در برابر کسی هم پاسخگو نیست. شورای نگهبان، کار «نظارت استصوابی» خود را به دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی گسترده‌ای مبدل ساخته و زمام اختیار انتخابات را، از ابتدا تا انتها، در دست گرفته است. در صورت تداوم این وضعیت، انتخابات نمایشی مجلس هفتم الگوی هر انتخابات دیگری در جمهوری اسلامی خواهد بود و حاصل انتخابات نمایشی مجلس هفتم الگوی هر انتخابات دیگری در جمهوری اسلامی خواهد بود و حاصل انتخابات نمایشی نیز، البته، چیزی جز مجلس فرمایشی نیست.

دولتهای اروپایی با ایران، با اسکورت پلیس از زندان بیرون آورده شدند و از فرودگاههای این کشورها به تهران فرستاده شدند و در آنجا "قدر دیدند و به صدر نشستند."

و اینک، کاری سترگ و قابل ستایش صورت گرفته و همتی بلند، متن کامل حکم دادگاه را با وسواس و دقت کامل، از زبان آلمانی به زبان فارسی برگردانده است .

کتاب حکم دادگاه میکونوس را باید خواند، باید آنرا به عنوان یک سند تاریخی بسیار مهم نگهداشت و به دیگران هم توصیه کرد آنرا بخوانند و نگهدارند. چرا که سندی است محکم، گویا و روشن در اثبات بی تردید جنایتهای جمهوری اسلامی ایران.

در خاتمه، به خاطر اهمیت بسیار این دادگاه و این حکم و این کتاب، باید ذکر کرد که در نوشتن چند نام، اشتباه صورت گرفته که امید است در چاپهای بعدی اصلاح شود، از جمله نام دکتر شرفکندی که در سراسر کتاب (شرافکندی) آورده شده و یا عزیز غفاری - صاحب رستوران که در حملهٔ تروریستها مجروح شد - که به اشتباه طبیب غفاری گفته شده، یکی دو اسم هم اشتباه است که می‌تواند غلط چاپی باشد، مثل صدیق کمانگر که کمانگیر آمده، و عبدلی که در آغاز کتاب عیدی ذکر شده، و یا هادوی مقدم که به صورت هودی مقدم درآمده است.

کمک های مالی رسیده:

سامان	۱۰۰ فرانک سوئیس
هواداران سازمان از سوئیس	۵۰ فرانک سوئیس
مسعود از هلند	۵۰ یورو
رویین تن هلند	۹۰ یورو
همایون آلمان	۲۰۰ یورو

**با کمک های مالی
خود ، ما را در انجام
وظایفان یاری رسانید**

این متهمان تعیین شد. محاکمهٔ متهمان، در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۳، یکسال پس از انجام جنایت، آغاز شد و سه سال و نیم به طول انجامید. و این دادگاه، طی ۲۴۷ جلسه، گام به گام و با دقت و مسئولیتی کم نظیر، تمام جزئیات و اطلاعات مربوط به نحوهٔ تصمیم‌گیری از سوی مقامات بالای حکومتی ایران و نقش "کمیتهٔ عملیات ویژه"، تدارکات و تهیهٔ امکانات؛ از قبیل خانه، اتومبیل، پول، اسناد و مدارک و گذرنامه‌های ضروری، و مهمتر از همه اسلحه‌های لازم، انتخاب مجریان کشتار، و نیز نقشه و چگونگی انجام جنایت بررسی شد. اظهارات متهمان شنیده شد و اسناد بسیاری مورد بررسی و تدقیق قرار گرفت. در این دادگاه که تحت حفاظت شدید امنیتی برگزار می‌شد، شاهد زیادی، که بسیاری از آنها برای جریان دادگاه تعیین‌کننده بود، در اثبات آمریت سران حکومت اسلامی در جنایت، شهادت دادند .

در طول این مدت فشارهای مختلفی از سوی مقامات ایرانی و آلمانی بر وکلا و دادستان و رئیس دادگاه اعمال می‌شد تا بتوانند از تشکیل آن جلوگیری کنند و یا بر رأی آن تأثیر بگذارند اما دادگاه در مقابل تمام این فشارها مقاومت کرد و سرانجام، در دهم آوریل ۱۹۹۷ رأی خود را صادر کرد. در این رأی، متهمان به حبسهای متفاوت، از سه سال تا ابد، محکوم شدند. و مهمتر از همه، دادگاه عالی برلین، سران حکومتی ایران، را به عنوان آمران و عاملان این ترور شناخت و برای علی فلاحیان، وزیر وقت امنیت ایران، قرار بازداشت بین‌المللی صادر کرد .

در پیشگفتار کتاب حکم دادگاه میکونوس، به نقل از نوشته‌ای از یواخیم اریگ، یکی از وکلای شاکی خصوصی این دادگاه، در سال ۱۹۹۸، آمده است: "در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، هنگامی که یک تیم مرگ به دستور دولتمردان ایران، در رستوران میکونوس در برلین، رهبران اپوزیسیون کرد (حزب دموکرات کردستان ایران) را به قتل رساند، اروپا تبدیل به منطقهٔ به اصطلاح از نظر حقوقی، آزاد برای قاتلین با پاسپورت دیپلماتیک شده بود... و این سخن، یادآور رفتار کشورهای اروپایی است با قاتلان و تروریستهای اعزامی دولت اسلامی: قاتل دکتر عبدالرحمن قاسملو در وین اتریش (۱۹۸۹)، قاتلان دکتر شاپور بختیار در پاریس (۱۹۹۴)، قاتلان دکتر رجوی در سوئیس، ووو، که هر یک، تحت عنوان "حفظ منافع ملی" و برای تأمین منافع اقتصادی